

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۲ می ۲۰۱۸

میز نان "گلبدین" ها و خدا را مسؤول آن دانستن

جمعه - ۲۱ ثور ۱۳۹۷ - کابل: اگر به خاطر داشته باشید چند روز قبل یعنی به تاریخ هفدهم همین ماه، مطلبی به ارتباط میزنان "گلبدین" و غذا های رنگارنگ آن تقدیم شما خوانندگان عزیز نمودم. در این که آن مطلب از طرف چه تعداد از



خوانندگان مورد تأیید قرار گرفت و چه تعداد دیگر با آن مخالفت ورزیدند، نه امکان بررسی آن را دارم و نه هم به خود حق می دهم تا در مورد قضاوت دیگران حکمی صادر نمایم.

بیجا نخواهد بنویسم که اصولاً من آدمی نیستم که با کس و یا کسانی جروبحث نمایم، زیرا از یک جانب توانم را محدود می دانم و از جانب دیگر مطمئنم در فضائی که اذهان مردم به وسیله نوشته های رنگ و وارنگ همه روز بمباران می کردند، نمی توان کسی را یافت که با بحث بتوان قناعتش را فراهم نمود. از همین رو متواضعانه می گویم آنچه را می بینم و درک می نمایم خدمت خوانندگان تقدیم دارم، این که بر آنها خوش خورده و یا بد، امریست که می باید خودشان ابراز بدارند.

با آنهم غرض از نوشتن این مختصر و استفاده مجدد از میزنان "گلبدین" پاسخ به عصبانیت

یک تن از وطنداران شکرده ئی ام می باشد که گویا از نوشتن آن مقاله و افشای میزنان "امیر صاحب" خود و خاندانش عصبانی شده، از موضع یک قاضی تحصیل یافته، غیباً حکم به قطع دست من نموده است.

من در اینجا برای آن که قضیه شخصی نگردد، راجع به آن وطندار و تعلقات خانوادگی شان با "گلبدین" و این که در تمام سالیان بعد از هفت ثور تا ۲۰۰۱ چگونه به مانند سرش به "گلبدین" چسبیده و از طریق وی صاحب نان و نام شده اند، چیزی نمی نویسم، بحثم را از این نکته آغاز می نمایم که قاضی صاحب، به استناد آیت "عزت و ذلت از جانب خداست" و کسی که "عزت" مسلمانی را زمینه تحقیر وی قرار می دهد، با اراده خدا مخالفت نموده، کافر است، بر من حکم ارتداد نموده اند. با آن که ممکن است نوشتن چنین مطلبی برای فردی چون من که با هویت خود وارد میدان شده ام سرنوشت شبیه "فرخنده" را به دنبال داشته باشد، ناگزیر می نگارم:

۱- آقای قاضی، هر چند فهم و اطلاعات مذهبی من به اندازه فهم شما نیست، مگر اینقدر می دانم که وقتی پای صحبت از "عزت" و "ذلت" نزد خدا مطرح می گردد، بیشتر از آن که پای مکنت و دارائی در میان باشد، قرب و نزدیکی به "خدا" مطرح است. اگر چنین نباشد و بپذیریم که منظور از عزت و ذلت دارائی و مکنت افراد است، این را هم باید بپذیریم که نزد چنان خدائی شداد ها، نمرودها، فرعون ها، راکفلرها، ترمپها و هزاران دزد و غارتگر اموال مردم، عزت مند تر از پیامبران و اولیاء بوده است.

۲- چنین خدائی با چنین طرز تقسیمی، به هیچ صورت ارزش و لیاقت پرستش را ندارد. خدائی که به عده ای آنقدر دارائی بدهد که حسابش را گم کند، مگر صد ها میلیون انسان دیگر را چنان به نان شب و روزش محتاج و درمانده بسازد، که یکی تن فروشی کند، دیگر اعضای بدنش را بفروشد، آن دیگری فرزندش را به منظور سیر کردن شکم بقیه اعضای فامیل بفروشد، باز هم می نویسم شایستگی پرستیدن را ندارد. چنان خدائی مستحق زباله دان تاریخ و همان جهنمی است که خودش آفریده، یعنی از مقام خدائی اش پائین کشیدن و به دنبال یک لقمه نان سرگردان بودن.

۳- گیریم که واقعاً چنین دستر خوانیهای از داد خداست، این خدا باید حساب بدهد که به چه اساسی چنین حاتم بخشی هائی را می نماید؟ آیا "گلبدین" ها یکروز در تمام عمرشان بیل زده اند، بر بالای ودان کوره آهنگری ایستاده شده اند، به دو منزل بالا خشت پرانده اند، از صبح تا شام در عمق صد ها متر کار کرده تا زغال سنگ استخراج کنند؟ چه کرده اند؟ این خدائی که با کتابش خود را حسابرس و حسابگیر معرفی می دارد، آیا می تواند حساب این حاتم بخشی های غیر عادلانه و ضد انسانی خود را بدهد؟

۴- آقای قاضی، بیانید بیشتر از این نجاست های خود را به دامن خدا که پاک و منزّه است نیندازیم، این خدا نیست که به "گلبدین" ها پول داده تا چنان میزنانی را فراهم سازند، این امپریالیسم امریکا، انگلیس و بقیه اشغالگران و دولت دست نشانده است که در ازای وطنفروشی گلبدین به وی چنین دهان جیبش را باز گذاشته اند.

آقای قاضی، بیش از این اسلام را بهانه نسازید و خدا را به لجن نکشانید. در ثروت و مکنت گلبدین ها پای خدا دخیل نیست بلکه این خیانت به افغانستان و مردم آن و کشتار آنهاست که دروازه های بهشت ساخت امپریالیسم را بر روی وی گشاده است. باور کنید اگر چنین نباشد، به میلیونها انسان مانند من، جنگ با خدا را در اولویت قرار خواهند داد.

دیده شود چه می شود!!